

تحول‌آفرینی در تجربه امام موسی صدر و علامه فضل‌ا...^۱

مجید مرادی رودپشتی^۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۵/۱۰

تاریخ پذیرش ۹۶/۰۷/۱۸

چکیده

اگر جنبش و تحول‌آفرینی را از ویژگی‌های روحیه انقلابی بدانیم و انقلاب را به معنای دگرگونی برای پی‌افکندن نظم نو بدانیم، بی‌تردید امام موسی صدر و علامه فضل‌ا... از چهره‌های شاخص حوزه بوده‌اند که نماد انقلابی‌گری به شمار می‌آیند؛ چراکه تلاشی انقلابی را برای وارد کردن شیعیان به جهان رقم زده‌اند. این دو عالم دینی، دین را به پیشران حرکتی تبدیل کردند که در دو جنبش انقلابی امل و حزب‌ا... به بار نشست. همان‌گونه که امام صدر انقلابی اجتماعی را در درون طایفه شیعه رقم زد و در تأسیس جنبش امل نقشی یگانه داشت، فضل‌ا... هم با به‌راه‌انداختن جریان سیاسی در تأسیس جنبش حزب‌ا... نقش بسیار مهمی داشت. صدر با تأسیس جنبش امل و مجلس اعلای شیعه لبنان، شیعه را در کنار اهل سنت به یکی از مؤلفه‌های اصلی جامعه لبنان تبدیل کرد و فضل‌ا... با زمینه‌آفرینی فکری برای جنبش انقلابی حزب‌ا... کوشید که شیعه را از مرحله انقلاب اجتماعی به انقلاب سیاسی منتقل کند. آنچه این مرحله‌گذار را تسریع کرد، بلکه به‌گونه‌ای آن را پدید آورد، انقلاب اسلامی ایران بود که فضل‌ا... از آن به «زُلْزَلَتِ الْأَرْضِ زُلْزَالَهَا» یاد می‌کند.

کلیدواژگان: امام موسی صدر، سیدمحمدحسین فضل‌ا...، لبنان، جنبش امل، حزب‌ا...، انقلاب اسلامی.

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دکتری علوم سیاسی

مقدمه

جهان اسلام و به‌طور مشخص منطقه خاورمیانه در نیمه دوم قرن بیستم شاهد وضع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پر آشوب و متحولی بود. شکل‌گیری دولت‌های کوچک ملی در منطقه امپراتوری عثمانی از نیمه اول این قرن که همراه با تحولات دیگری در ساخت اقتصادی و اجتماعی بود، جغرافیای جدیدی در سطوح سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای خاورمیانه رقم زد. این تنها مرزهای جغرافیایی نبود که در حال جابجاشدن بود، بلکه مرزهای اجتماعی با فروپاشی پدرسالاری سنتی و توسعه شهرها و مرزهای فرهنگی با ظهور ایدئولوژی‌های جدیدی که از قدرت بسیج افکار عمومی برخوردار بودند و میان ساخت اجتماعی پدرسالاری قبیل‌ای با ساخت فرهنگی و مشخصاً دینی ملازمه ایجاد می‌کردند، در حال جابجایی بود.

مارکسیسم به عنوان ایدئولوژی مبارزه و رهایی از استعمار، اشغال و عقب‌ماندگی پا به میدان نهاده بود و همزمان با سرمایه‌داری و دین وارد نبردی سخت شده بود. در این بلای سخت که موجودیت اجتماعی دین را با تهدید مواجه کرده بود، در میان حوزه‌های علمیه شیعه حرکت‌های علمی، فرهنگی و سیاسی‌ای شکل گرفت که هدف اساسی آنها را می‌توان دفاع از موجودیت دین به‌ویژه در میان نسل جوان از طریق عرضه تفسیری تازه از آموزه‌های دینی و مقابله با موج دین‌ستیزی مکاتب مادی دانست. در چنین فضایی است که می‌توان حرکت علمی و فلسفی علامه طباطبایی و مجموعه شاگردان او مانند مرتضی مطهری و سید محمد حسینی

یاست پژوهی

دوره چهارم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۶



بهشتی و نیز جریان اجتماعی و علمی سیدمحمود طالقانی و مهدی بازرگان را در ایران و جریان علمی، فلسفی، اجتماعی و سیاسی مرحوم سیدمحمدباقر صدر را در عراق که هر دو در حوزه اسلام شیعی اتفاق افتاد و بخش‌هایی از آن در ابعاد سیاسی و اجتماعی متأثر از حرکت‌های مشابه در اسلام سنی - به‌ویژه در مصر - بود، به‌درستی درک کرد؛ اما تفاوت‌های اساسی میان این دو طرف وجود دارد که در ابعاد علمی و فلسفی می‌توان غنای بیشتر فراورده‌های عالمان دینی شیعه نسبت به فراورده‌های عالمان سنی را درک کرد؛ زیرا هیچ اثری هم‌وزن اصول فلسفه و روش رئالیسم علامه سیدمحمدحسین طباطبایی و فلسفتنا و اقتصادنا سیدمحمدباقر صدر در میان اهل سنت ظهور نیافت؛ اما در حوزه حرکت و جنبش اجتماعی و سیاسی فضل تقدم و توسع را می‌توان از آن اسلام سنی دانست که نمونه برجسته آن جنبش اخوان المسلمین است که پس از تأسیس در مصر، در غالب کشورهای عربی شعبه‌های قوی به راه انداخت و به عنوان بزرگ‌ترین جنبش اسلام‌گرا در اسلام معاصر مطرح شد. کافی است بدانیم که حزب الدعوة اسلامی عراق که سیدمحمدباقر صدر برجسته‌ترین عضو مؤسس و سید محمدحسین فضل‌ا... پس از صدر از حامیان اصلی آن بود، تحت تأثیر جنبش اخوان تأسیس شد؛ اما ایجاد حرکت و حزب در اسلام شیعی به حزب الدعوة منحصر نشد و این خط جنبش‌گرا با قدرت بیشتر ادامه یافت. در ایران جنبش فداییان اسلام نسخه‌ای تقریباً مشابه اخوان المسلمین بود و رابطه‌ای نزدیک میان نواب صفوی و رهبران اخوان در مصر وجود داشت؛ اما در این مقال برآنم مروری به بعد تحول‌آفرینی در تجربه زندگی اجتماعی و سیاسی دو عالم بزرگ شیعه داشته باشم که ستاره بختشان در لبنان درخشیدن گرفت و مرزهای جدیدی بر ساختند و سنت‌های جدیدی پدید آوردند که بی‌تردید افق حرکت بسیاری از مسلمانان را در حال و آینده ترسیم کرده و خواهد کرد؛ یکی امام موسی صدر است و دیگری سید محمدحسین فضل‌ا....

راهبرد اساسی صدر تحمیل موجودیت شیعیان در عرصه سیاسی لبنان و راهبرد اساسی فضل‌ا... تثبیت هویتشان بود. صدر می‌خواست رنگ محرومیت را از سیمای محرومان شیعه بزدايد و سهمی برای آنان در دستگاه اداری و سیاسی دست و پا کند و نیروهای نهفته در درون آن را آزاد کند و فضل‌ا... می‌کوشید ضمن تمرکز و کار تربیتی بر روی مجموعه‌ای از نخبگان،

یاست پژوهی
تحول‌آفرینی در تجربه امام موسی صدر و علامه فضل‌ا...
پایگاه علوم اسلامی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع دانش‌های اسلامی

نیروی شیعیان را برای اهداف کلان و فراتر از دایره مذهبی که مهم‌ترین آنها رهایی از سلطه سیاست غربی و چپاول اقتصادی ملت‌ها بود، به کار گیرد و آگاهی سیاسی‌ای را پدید آورد که در کتاب الاسلام و منطق القوه (اسلام و منطق قدرت) از عهده این کار برآمد. تألیف این کتاب تلاشی زود هنگام برای پی‌ریزی بنیادهای فکری حزب... را رقم زد.

یکی از ویژگی‌های اساسی مشترک میان این دو شخصیت، فرامرز بودن آن دو است؛ به این معنا که این دو رسالتی فراتر از مرز مذهب و جغرافیا برای خود قایل بودند و به تعبیر مکرر فضل... به اسلام در حجمی جهانی می‌اندیشیدند. سفر به مناطق مختلف جهان و آشنایی با فرهنگ‌ها و افکار متنوع در ملل و نحل و مفروض گرفتن همه انسان‌های جهان به عنوان مخاطبان دعوت اسلام از نقاط مشترک اندیشه و عمل امام صدر و علامه فضل... است. صدر از ایران به عراق رفت و سپس در لبنان مستقر شد و به بخش‌های عظیمی از جهان سفر کرد و از نزدیک با تمدن غرب آشنا شد و در مسیر گفتگوی ادیان گام‌های بلندی برداشت که در سطح جهانی بر روند و فرایند ارتباط میان اسلام و مسیحیت تأثیرگذار بوده است. او به موازات بیرون کشیدن پیروان مذهب شیعه از محرومیت تاریخی‌شان کوشید تشیع را نیز از فروبستگی و عزلت تاریخی‌اش بیرون کشد و به عنوان نیرو و انرژی‌ای سازنده و پویا و نمادهای شیعه را به عنوان نمادهای فرامذهبی و متعلق به همه انسانیت و همه تاریخ انسانی مطرح کند و انحصار تعصبات مذهبی را بشکند.

فضل... نیز که چند سالی پس از امام صدر از عراق به وطن خود لبنان برگشت، مسیری مشابه را پیمود و دایره تأثیر اندیشه او از مرزهای لبنان و مرزهای عربی فراتر رفت و اروپا و آمریکا و امریکای لاتین و شبه قاره و ترکیه و ایران را هم در بر گرفت. او نیز مانند صدر به نقاط مختلف جهان از اروپا تا شبه قاره هند سفرهای مکرر داشته و با دانشگاهیان مسلمان در گوشه و کنار جهان ارتباط داشته است. یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد او در دو دهه اخیر به‌ویژه در مقاطع بحران‌خیز، سخنگویی اسلام سیاسی معتدل و غیر تکفیری بوده است. مهارت شگرف فضل... در اداره گفتگوهای تلویزیونی با شبکه‌های ماهواره‌ای جهانی به‌ویژه غربی و تسلط او بر مجری‌های ورزیده این شبکه‌ها از حیث برخورداری از توانایی روحی روانی و فکری - اطلاعاتی و برخورداری از زبانی امروزی و جهانی و اعمال منطق گفتگو با فکر

یاست پژوهی

دوره چهارم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۶



۳۲

مخالف، از او چهره‌ای رسانه‌ای در سطح جهان ساخته بود.

۱. تحول خواهی از حوزه، جامعه و فرهنگ تا سیاست

امام موسی صدر تجربه حرکتی فرهنگی و فکری در ایران را در کارنامه خود داشت. او از نزدیک شاهد و بلکه شریک مبارزه عقیدتی‌ای بود که شماری از علمای قم برای نجات اسلام از چیرگی مکتب‌های فکری رقیب به راه انداختند و از زمان حضور در قم به نوسازی الهیات اسلامی و سازگار کردن آن با عصر مدرن می‌اندیشید. نجف برای وی مرکزی برای تحصیلات تکمیلی نبود؛ زیرا وی دروس عالی را هم تا حدی در قم گذرانده بود و از این رو به تعبیر شیخ محمدمهدی شمس‌الدین نیاز چندانی به ادامه تحصیل در نجف نداشت و یکی دو سالی در محضر آیت‌... خوئی حاضر شد که در این درس محمداقبر صدر هم شرکت می‌کرد.

حرکتی که علما در ایران به راه انداختند، بیشتر دارای صبغه علمی و فلسفی بود؛ اما در عراق حرکت سیدمحمداقبر صدر که فضل‌... و شمس‌الدین در حوزه نفوذ فکری او بودند، حرکتی بود فرهنگی و ایدئولوژیک که اگرچه تمایل و زمینه‌های سیاسی شدن و اجتماعی شدن را داشت، اما در نتیجه فشارهایی که در داخل حوزه و از سوی نظام بعثی متوجهش شد، به سرعت از این حوزه‌ها فاصله گرفت و به دایره علمی، فرهنگی و فلسفی پناه برد و بدان بسنده کرد و حتی فتوای حرمت پیوستن طلاب به حزب الدعوة را صادر کرد.

سیدموسی صدر فعالیت فرهنگی‌اش را در قم از مجله مکتب اسلام آغاز کرد و سید محمدحسین فضل‌... هم فعالیت فرهنگی‌اش را در نجف از مجله الاضواء که از سوی محمداقبر صدر مدیریت می‌شد، آغاز کرد. تفاوت این دو حرکت در این بود که مجله مکتب اسلام و حلقه‌ای که پیرامون آن شکل گرفت، از سوی مرجعیت شیعه در قم و بدنه حوزه علمیه پذیرفته شده بود و مقاومتی در برابر آن شکل نگرفت و حتی دولت نیز با توجه به اینکه مکتب اسلام در تعارض با مکاتب چپ و مارکسیستی بود که خطری جدی برای نظام پهلوی داشتند، نیازی به مقابله با آن و ایجاد مزاحمت برای آن نمی‌دید؛ اما در محیط نجف وضع متفاوت بود. علما که بعد از انقلاب دهه بیست و فداکاری‌های بی‌ثمرش در دفاع از دولت

یاست پژوهی
تحول فزینی در تجربه امام موسی صدر و علامه فضل‌...

عثمانی در برابر انگلیس سرخورده شده بود، هرگونه فعالیت نامألوف و نامرسوم را در محیط حوزه نجف بر نمی‌تافت و از هیچ‌گونه تحولی استقبال نمی‌کرد. علمای جوانی مثل فضل‌ا... و صدر باید در چند جبهه می‌جنگیدند. در یک جبهه با کمونیسم و مارکسیسم که بنیاد جامعه دینی را به شدت تکان داده بود و تهدیدی جدی برای آن به شمار می‌رفت و در جبهه دیگر با جریان سنتی حوزه نجف که حتی آیت‌ا... سیدمحسن حکیم هم از پس آن بر نمی‌آمد و بلکه به جای تشویق حوزه به همراهی با این جریان نوپدید انقلابی که حامل آگاهی تازه و دنبال ایجاد تحول بودند، این جریان را که فرزندان خود آیت‌ا... حکیم هم بخشی از آن بودند، به کوتاه‌آمدن در برابر فشار حوزه وا داشت.

امام موسی صدر هم مانند محمدباقر صدر به جنبش و تحول می‌اندیشید و کارنامه زندگی‌اش نشان از این روحیه جنبشی و انقلابی داشت. او معتقد بود جوهر ایمان، محرکی است به سوی تغییر و تحول فردی و اجتماعی در همه عرصه‌ها و هرچه درجه ایمان بیشتر باشد، تلاش برای تغییر و تحول بیشتر است و این رابطه [میان ایمان و تحول‌خواهی] رابطه‌ای ناگسستنی است (مرکز الإمام موسی الصدر للأبحاث والدراسات، ۲۰۰۹: ۱۰۴-۱۰۷). او فلسفه دین را ایجاد تغییر و تحول می‌دانست و بر آن بود که جوهر دین به جمود و ایستایی رضایت نمی‌دهد (همان، ۲۰۱۱: ۱۵).

تحول‌آفرینی صدر در لبنان هم بی‌هزینه نبود. او جایگاه رهبران سنتی شیعه را در اختیار گرفته بود و این برای آنان قابل پذیرش نبود. علمای شیعه هم عمدتاً پیوند دیرینه‌ای با این رهبران سنتی که زمین‌داران عمده بودند، داشتند. بخشی از این علما هم از منافع رهبران سنتی دفاع می‌کردند، اگرچه برخی دیگر عملاً منافع در حاشیه یا متن حرکت صدر پیدا کردند و با آن همراه شدند. اساساً زعامت خاندان‌های فئودال شیعه مانند خاندان اسعد، الخلیل، حمدانی، حیدر و الزین در لبنان بر زعامت دینی و نفوذ علما غلبه داشت و تا زمان ظهور سیدموسی علمای شیعه هم - جز برخی علمای برجسته مانند سیدمحسن امین و سیدعبدالحسین شرف‌الدین - از جایگاه اجتماعی متنفذی برخوردار نبوده‌اند که با ظهور او آن را در خطر ببینند؛ اما با این حال برخی از علما ساز مخالف را نواختند.

لبنان جامعه‌ای طایفه‌ای است. طایفه‌های عمده اسلامی و مسیحی هستند که از وابستگان



خود حمایت می‌کنند و مفهوم دولت- ملت و شهروندی به معنای برخورداری از حقوق برابر افراد ملت در آن تثبیت نشده است.

یکی از ابعاد مهم تأثیر مدرنیته، پایان‌بخشیدن به پدرسالاری سنتی‌ای بود که ویژگی عمده جوامع عربی به شمار می‌رفت و در آن، نظام اجتماعی از خانواده تا مجموعه جامعه، نظامی سلسله‌مراتبی و مبتنی بر قیمومت بود. این پدرسالاری سنتی در غالب جوامع عرب جای خود را به پدرسالاری جدید داد؛ اما در لبنان به دلیل گشودگی و ارتباط گسترده با غرب بساط پدرسالاری یکجا جمع شد و پدرسالاری جدید به جای آن نشست؛ از این‌روست که مخالفت فئودال‌هایی که به شکل سنتی زعامت طایفه را در اختیار داشتند- که کامل اسعد در رأس آنان بود- و حتی مخالفت برخی علمای بزرگ هم با حرکت امام موسی صدر نتوانست موتور او را از حرکت باز دارد.

اما از میان عوامل و اسباب فروپاشی پدرسالاری سنتی که نظام اقطاعی از نمودها و نمادهای آن بود، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. تضعیف بخش کشاورزی که محور معیشت کشاورزان فقیر و خرده‌مالکان را تشکیل می‌داد؛ ۲. تیرگی وضع امنیتی در جنوب لبنان در نتیجه بالاگرفتن درگیری‌ها میان ارتش اسرائیل و جنبش مقاومت مسلحانه فلسطینی؛ ۳. ظهور طبقه‌ای از ثروتمندان لبنانی مقیم در خارج که نیت سیاسی هم داشته‌اند.

مخالفت فئودال‌ها با حرکت امام صدر علل و اسباب روشنی داشت و به سبب جابجایی‌ای که این حرکت در ساختار اجتماعی پدید می‌آورد، قابل درک بود. طایفه شیعه در بدترین وضعیت اجتماعی قرار داشت و تنها چند خاندان بودند که از امکانات و امتیازات زعامت بر طایفه شیعه برخوردار بودند و طبعاً هم از این وضع رضایت داشتند. حال که محوریت و ریاست امام صدر که از قدرت دینی هم برخوردار بود، جایگاهشان را در طایفه سست می‌کند، طبیعی است که خشنود نباشند؛ چنان‌که کامل اسعد در مصاحبه‌ای به خبرنگاران گفته بود سیدموسی صدر قدرت‌ش را نه مدیون جایگاه دینی‌اش، بلکه مدیون کمک‌های مالی‌ای است که از خارج لبنان- یعنی از سوی شیعیان مقیم در خارج- به او می‌شود. تحلیل این موضع نیاز به زحمت ندارد؛ اما مخالفت علمای شیعه حکایتی دیگر دارد و این گمان را تقویت می‌کند که بخش‌هایی از این مخالفت‌ها صبغه‌ای پدرسالارانه داشت و به مثابه تلاشی برای احیای آن

یاست پژوهی
تحول‌آفرینی در تجربه امام موسی صدر و علامه فضل...

سلسله مراتب پدرسالارانه سنتی باید نگریسته شود. البته بخشی از این مخالفت‌ها انگیزه‌هایی دیگر مانند حفظ وحدت مسلمانان و تقریب شیعه و سنی داشت؛ ولی بخشی از علمای لبنان هم صرفاً به این دلیل که مقام علمی و پیشینه حضور خود را در حوزه علمیه نجف بیش از سیدموسی می‌دانستند، با او به مخالفت برخاستند و مدعی شدند؛ درحالی‌که به گمان قریب به یقین می‌توان گفت اگر وی به راه نیفتاده بود و سختی‌های تغییر اوضاع را به جان نخریده بود، اینان هرگز به مخیله‌شان هم خطور نمی‌کرد که باید طرحی نو در انداخت و این طایفه را که بزرگ‌ترین طایفه در لبنان است، از اصناف فلاکتی که بدان دچار است، رهانید.

اما فضل... بی‌تردید از برجسته‌ترین چهره‌های سیاسی و جنبشی اسلام معاصر است. زمانی که امام صدر جنبش محرومان و سپس جنبش امل را به راه انداخت و مجلس اعلای شیعه را تأسیس کرد و شیعیان لبنان را وارد عرصه سیاسی کرد، فضل... به پرورش نخبگان فکری و فرهنگی مشغول بود؛ اما به‌ویژه پس از ناپدیدشدن امام صدر و برآمدن ستاره اقبال به وی، مسیر تحول‌خواهی امام موسی صدر را در همه ابعاد ادامه داد. طبعاً با توجه به عاملی منطقه‌ای به نام جمهوری اسلامی که نقش حمایتی قوی‌ای برای شیعیان لبنان ایفا کرد، فضل... در فاز سیاسی وارد مرحله جدیدی از تقابل با قدرت‌های فرمانطقه‌ای شد و حوزه فعالیت را از دایره داخلی لبنانی به حوزه بین‌المللی و از حوزه رقابت با طوایف دیگر به حوزه فرامذهبی کشاند. فضل... معتقد بود قرآن کتاب حرکت است و جز از خلال تجربه اسلامی فراگیر و جنبش اسلامی عمومی قابل فهم نیست. وقتی که می‌گویم قرآن در عرصه‌های جهاد تحرک داشته است، طبیعی است که نمی‌توانیم عمق معانی‌اش را جز از طریق ایفای نقش جهادی در زندگی عملی خویش درک کنیم. برای همین است که می‌گویم اسلام را جز اهل حرکت و جنبش و جز اسلام‌گرایانی که بر اساس آگاهی جنبشی به اسلام و قرآن و آگاهی جنبش به تجربه اسلامی وارد عرصه شده‌اند، نمی‌فهمند (فضل...، ۲۰۱۰: ۲۹۶).

۲. صدر و جامعه مقاوم

غسان تویینی سردبیر سابق النهار در سرمقاله‌ای برای این روزنامه گزارش دقیقی از وضع شیعه و تحولی که شیعیان پس از برآمدن امام موسی صدر به خود دیدند به



شرایطی اشاره می کند که رهبران طوایف در برابر خدا و مردم سوگند می خورند که حقوق طایفه خود حتی در صورتی که نیاز به زور باشد بگیرند و سپس به جنبش امام موسی صدر اشاره می کند و از آن به عنوان جنبشی انقلابی یاد می کند: در چنین شرایطی است که این انقلاب [شیعی] به راه می افتد حتی اگر تنها تیرهایش به سوی آسمان شلیک می شود و یا برای سخنان امامی کف می زنند که خدمت به انسان و حقوق و آزادی او را هم سنگ خدمت به خدا و نیایش می شمارد. این، انقلابی است که شگفت ترین عنصر آن شیعی بودنش است. شاید سرنوشت شیعه است که در عصر طوایف، پیشاهنگ انقلاب همگان شده است؛ انقلاب همه مناطق و طوایف و طبقات. (النهار، ۲۸/۳/۱۹۷۴) وی اهمیت ویژه این انقلاب را در آن می داند که از همه مسایل ملی و سیاسی سنتی و مسایل لبنانی لبنان و قومیت و عربیت و قانون اساسی و نظام سیاسی فراتر رفته تا به لایه های عمیق تر و متصل تر به نیازهای حیاتی انسان برسد؛ به مساله اجتماعی و اقتصادی، مساله محرومیت و ظلم و مساله حقیقی زمین؛ زمینی که انسان می خواهد از آن تغذیه کند اما گرسنه می ماند و می خواهد سیراب شود ولی تشنه؛ و از آن سو همین زمین هم از انسان می خواهد از او دفاع کند و او ناتوان از حفاظت از زمین و خانه اش است و ناتوان از حمایت خویش. تویی راز فرارفتن انقلاب شیعه از خطر طایفه گری و بالعکس را همین می داند و معتقد است که این انقلابی که به رهبری امام موسی صدر به راه افتاد «انقلاب طایفه شیعه است و نه انقلابی طایفه ای؛ انقلاب طایفه ای بر طایفه دیگر نیست، بلکه انقلاب طایفه ای به نمایندگی از همه طوایف دیگر و برای همه آنهاست (همان). این انقلابی که غسان تویی از آن به عنوان انقلاب طایفه شیعه یاد می کند ترجمه پروژه ای است که امام موسی صدر تحت عنوان جامعه مقاوم تدوین کرد.

امام موسی صدر ایده جامعه مقاوم را در چندین سطح دنبال می کرد. در سطح شیعی و در سطح اسلامی و فراتر از آن در سطح ملی لبنان به عنوان مساله ای ملی. در سطح شیعی اهمیت

یاست پژوهی
تحول آفرینی در تجربه امام موسی صدر و علامه فضل...

کار وی از آن روست که شیعیان لبنان که عمده آنان در جنوب سکونت دارند در برابر تجاوز دشمن بی دفاع بوده اند.

زمانی که امام موسی صدر در سال ۱۹۵۹ میلادی وارد لبنان شد، وضعیت شیعیان از هر حیث ناگوار بود. این طایفه به رغم داشتن بیشترین جمعیت، به لحاظ قدرت و نفوذ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ضعیف‌ترین طایفه بود. از سویی هویت مشخص نداشتند و در حاشیه اهل سنت به سر می‌برند که طایفه اسلامی را نمایندگی می‌کرد و زمام امور و حقوق مسلمانان در دست اهل سنت قرار داشت. از سوی دیگر خطر نظامی اسرائیل تنها متوجه شیعیان بود که عمدتاً به حکم جبر جغرافیا در منطقه مرزی میان لبنان و رژیم صهیونیستی - یعنی در جنوب - سکونت داشتند.

تأسیس مجلس اعلای شیعیان گامی اساسی در توانمندسازی شیعیان و تأسیس جامعه مقاوم به‌شمار می‌رود. با این حال او از خطرهای طایفه‌گرایی نیز غافل نبوده است.

صدر که نتایج فاجعه‌بار نظام طایفه‌ای را با تمام وجود درک کرده بود، کوشید دولت و ملت را به ضرورت از میان‌برداشتن طایفه‌گری توجه دهد. وی معتقد بود اگر این نظام طایفه‌ای از قانون اساسی هم برداشته شود، از افکار و اذهان و دل‌ها و عقول برداشتنی نیست، مگر آنکه دولت نوسازی شود و چنان دولتی حمایت از فرد را بر عهده گیرد و نظام قبایلی که مربوط به عصر ماقبل تأسیس دولت است و منبع تأمین امنیت و اعتبار افراد است، پایان یابد. صدر تأکید می‌کند که به رغم فاصله‌ای که با مبنای طایفه‌گری دارد، چاره‌ای جز تأسیس مجلس اعلای شیعیان لبنان نداشته است. وی احساس می‌کرد که مقاومت در برابر دشمن صهیونیستی به مسئله ملی لبنان تبدیل نشده است و طایفه شیعه که نماینده‌ای در قدرت سیاسی ندارد، در برابر این دشمن بی‌دفاع است؛^۱ از این رو ایده جامعه مقاومت را طرح کرد. او مقاومت را تنها گزینه پیش روی ملت لبنان دانست و ایستادگی ملت را واجبی مطلق بر شمرد که منوط به همراهی هیچ مقام و قوه‌ای نیست.^۲ جامعه شیعیان لبنان که با مشکل تهاجم رژیم صهیونیستی از آن سوی مرزها و مشکل مهاجران فلسطینی در این سوی مرزها و مشکل حاشیه‌نشینی از

یاست پژوهی

دوره چهارم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۶



۳۸

1. http://imamsadr.net/Publication/publication_article.php? PublicationID= 51& Article ID =942&r=0
2. <http://imamsadr.net/ News/news.php?NewsID=6016>

مراکز تصمیم‌گیری در بیروت مواجه بود، هویت مستقلی نداشت. از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۹ میلادی که مجلس اعلای شیعیان به دست امام موسی صدر تأسیس شد، مدیریت امور شیعیان به وسیله مفتی جمهوری لبنان که کارمند ارشد دولت در حوزه شرعیات بود، اداره می‌شد (الشرع، بی تا: ۵۷).

امام موسی صدر برای رفع حاشیه‌نشینی بزرگ‌ترین طایفه لبنان مجلس اعلای شیعیان را تشکیل داد تا رسماً نماینده شیعیان باشد و منافعشان را پیگیری کند. «این مجلس مجلسی طایفه‌گرا نیست، بلکه می‌خواهد با طایفه‌گرایی مبارزه کند؛ اما همکاری ما با دیگر طوایف در عرصه ملی و دینی و آرمان‌ها و ارزش‌ها امری ضروری است. در عرصه ملی ما با تمام اخلاص با آنان همکاری خواهیم کرد» (حرکت امل، ۲۰۱۴، ج ۲: ۲۱). او این مجلس را در نوع خود نخستین تشکیلات شیعه در طول تاریخ می‌دانست و معتقد بود «این تشکیلات نخستین تشکیلات از نوع خود در تمام تاریخ شیعه است. این، اقدامی بزرگ و تلاشی عظیم است» (همان).

وی می‌کوشید تا ایده جامعه مقاوم را به مساله ملی و عربی تبدیل کند:

«خطر صهیونیسم از برادران فلسطینی فراتر رفته و ما لبنانی‌ها و همه اعراب را هم در بر گرفته است» و هرگونه تلاش برای مقاومت و یا حمایت از مقاومت از سوی هر انسان صاحب وجدانی، در حقیقت دفاع از نفس در مرحله آینده است.» (حرکت امل، همان: ۴۷).

۳. صدر و گفتگوی ادیان

علامه فضل‌الله در تحلیل تجربه امام صدر به نکته‌ای بسیار دقیق اشاره می‌کند که نشان از گستردگی افق نگاه او دارد. وی می‌گوید:

«آن مرحله، من از برخی سخنان و عناوینی که ایشان درباره مقامات دینی جهانی مسیحیت (پاپ) ابراز می‌کرد، خوشم نمی‌آمد و معتقد بودم که این‌گونه سخنان با برخی آداب و فضای اسلامی سازگاری ندارد و گذشته از این، با توجه به ناآرامی‌های سیاسی شدید در لبنان اواخر دهه شصت و

اوایل دهه هفتاد و ابهام موجود در مناسبات طوایف و... چنین موضع‌گیری‌هایی را نمی‌پسندیدم؛ اما اکنون که به عقب بر می‌گردم، احساس می‌کنم چه بسا اگر ما هم در جایگاه سیدموسی بودیم، بسیاری از کارهای او را انجام می‌دادیم. کاری که سیدموسی کرد، این بود که توانست به شیوه‌ای عالی، بسیاری از مفاهیم معنوی و اجتماعی اسلام را به حوزه مسیحیت منتقل کند؛ مثلاً در کلیسا درباره ابعاد معنوی اسلام که با ابعاد معنوی مسیحیت پیوندهایی دارد، سخنرانی می‌کرد و همانند یک عالم مسیحی مسیحیان را موعظه می‌کرد و در آن حال از اسلام و اندیشه اسلامی عقب نمی‌نشست» (شرف‌الدین، ۱۳۹۶: ۱۲۴).

فقره اخیر سخن علامه فضل‌...، یعنی انتقال مفاهیم معنوی و اجتماعی اسلام به مسیحیت، به باور من بهترین تحلیل برای رفتار امام موسی صدر با دیگر طوایف و خود، نیازمند ژرف‌اندیشی جدی است و می‌تواند راهنمای عمل برای دیگران باشد. فضل‌... و صدر هر دو شیوه تفاهم با مسیحیان را در پیش گرفتند و خواهان انفتاح دینی و گفتگو و همزیستی مسالمت‌آمیز بودند و جلسات منظمی با رهبران دینی مسیحی داشتند؛ اما صدر در این زمینه جسورانه‌تر و تحریک‌برانگیزتر و چالش‌افکن‌تر بود. یک بار که برای موعظه به کلیسا رفت، رقبای محافظه‌کارش تصویری را توزیع کردند که او را در زیر صلیب نشان می‌داد.

گفته می‌شود که صدر با این نوع کارها می‌خواست از هراس مسیحیان نسبت به خیزش شیعیان که در حال بازیابی خویش بودند، بکاهد و پایبندی‌اش را به تکثرگرایی دینی در لبنان نشان دهد؛ اما به باور من وی به چیزی فراتر از همزیستی مسالمت‌آمیز و ریختن هراس پیروان ادیان و مذاهب دیگر می‌اندیشید. گفته‌ها و نوشته‌ها و روش و منش او نشان می‌دهد که او همزیستی اجتماعی مسالمت‌آمیز را به مثابه مقدمه‌ای برای همزیستی ایمانی می‌دید که در آن تکثر ادیان و مذاهب نه مایه پراکندگی و پریشانی که پشتوانه‌ای برای باور دینی و ایمان به مبدائی واحد است که سرچشمه و بازگشتگاه انسان و ادیان است.

فضل‌...، چنان‌که خود اعتراف می‌کند، با پاره‌ای از این رفتارها در ابتدا موافق نبود، هرچند زبان به انتقاد از او نگشود و به پروتکل‌های نانوشته پایبند ماند.

یاست پژوهی

دوره چهارم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۶



۴. تأسیس جنبش امل

یکی از جلوه‌های رفتار انقلابی امام موسی صدر اقدام او برای تأسیس جنبش امل (افواج المقاومة اللبنانية) است. او مشکل شیعیان را در محرومیت عمیقی دیده است که به شکل روشمند و نهادینه بر این طایفه تحمیل شده است؛ از این رو در سال ۱۹۷۴ میلادی جنبش محرومان را به راه انداخت. او انگیزه اش را از تأسیس این جنبش، ایمان به خدا و سعی برای حراست از وطن و اهتمام به کرامت به انسان بر شمرد (حرکت امل، ۲۰۱۴، ج ۵: ۱۴۶). در سخنرانی مراسم اربعین این سال در بعلبک در میان بیش از هفتاد هزار شرکت‌کننده، از پیروان خود تعهد گرفت که تا آخرین قطره خون خویش برای احقاق حقوقشان مبارزه کنند. دو هفته پس از این سخنرانی علامه فضل‌ا... و شیخ محمدمهدی شمس‌الدین در نامه مشترکی که خطاب به دولت لبنان نوشتند و در روزنامه النهار (۲۹ مارس ۱۹۷۴) منتشر شد، به صراحت از سستی دولت در برابر محرومیت بی‌مانند شیعیان انتقاد و جانبداری خود را از پروژه صدر اعلام کردند. دو ماه بعد تظاهرات مشابهی نیز در شهر صور برگزار شد که در آن نیز امام موسی صدر دولت را به تحمیل محرومیت بر طایفه شیعه متهم کرد و از طرفدارانش سوگند گرفت تا برای رهایی سرزمین خود از محرومیت و حاشیه‌نشینی تلاش کنند.

زمانی که امام صدر جنبش محرومان را تشکیل داد، برنامه سیاسی آشکاری نداشت و تحولی که وی در پی تحقق آن بود، تحولی اجتماعی بود. شیعیان در این مرحله دنبال تأسیس دولتی شیعی و حتی سهم‌خواهی از قدرت سیاسی نبودند. تمام آنچه شیعه در پی آن بود، پایان‌دادن به تبعیض و بی‌توجهی دولت به خود و دستیابی به حقوق خود بود.

به موازات راه‌افتادن جنبش محرومان، جنبش شبه نظامی امل نیز به عنوان نخستین گروه مقاومت شیعی به صورت زیرزمینی از سوی امام صدر تأسیس شد که نشان از هوش او داشت. او می‌دانست که امنیت چیزی نیست که به عاریت گرفته شود و در شرایطی که ارتش لبنان

یاست پژوهی
تحول‌آفرینی در تجربه امام موسی صدر و علامه فضل‌ا...

نمی‌تواند ضامن بسط امنیت و استقرار در تمام سرزمین باشد، نمی‌توان در سایه احزاب و سازمان‌های مسلح، امنیت شهروندان شیعی را تأمین کرد.

۵. مسئله فلسطین

یکی از نمودهای رفتار انقلابی صدر و فضل... در مسئله فلسطین است که محل اهتمام هر دو بوده است. صدر از آغاز به هویت توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی توجه می‌داد:

«دولت اسرائیل دولتی استثنایی در جهان است که هیچ نظیری ندارد. مرزهای اسرائیل کجاست؟ در محافل بین‌المللی چیزی وجود ندارد که مرزهای اسرائیل را به‌طور دقیق مشخص کرده باشد؛ زیرا دولت اسرائیل دولتی توسعه‌طلب است و هر فرصتی را برای نقض تمامیت ارضی دیگران و توسعه مرزهای خویش غنیمت می‌شمارد» (حرکت امل، ۲۰۱۴:۵۵).

در مقابل چنین دولت متجاوز بود که صدر شعار «السلاح زینة الرجال» را سر داد (حرکت امل، ۲۰۱۴، ج ۲:۱۵۱)؛ اما در حوزه داخلی، وی از نخستین روزهایی که به ریاست مجلس اعلای شیعیان لبنان رسید، توجهی یکسان به شیعیان جنوب و آوارگان و مجاهدان فلسطینی داشت. مبارزه مسلحانه فلسطینی‌ها ضد اسرائیل که در ۱۹۶۸ آغاز شد، مورد حمایت صدر بود. ناگفته نماند که در این سال آیت‌الله العظمی حکیم فتوای مشهور جواز اعطای وجوهات شرعی به فلسطینی‌ها را صادر کرد. در سال ۱۹۷۰ امام موسی صدر در خلال دیدارش از قاهره با جمال عبدالناصر گفتگو کرد و حمایت خود را از حق فلسطینی‌ها برای انجام عملیات چریکی علیه اسرائیل از داخل خاک لبنان اعلام کرد. طی توافقنامه‌ای که میان جمال عبدالناصر و فرماندهی ارتش لبنان و سازمان آزادی‌بخش فلسطین در ۱۹۶۹ انجام شد، سازمان آزادی‌بخش فلسطین از تابعیت قوانین دولت میزبان معاف و حق قانونی اداره اردوگاه‌های فلسطینی در لبنان به این سازمان داده شد. در این توافق‌نامه همچنین بر حق فلسطینی‌ها برای انجام عملیات مسلحانه علیه اسرائیل تأکید شد. در سپتامبر ۱۹۷۰ ارتش اردن مبارزان فلسطینی را در خاک خود در هم کوبید و هزاران فلسطینی را دوباره آواره کرد. آنان ابتدا به سوریه و سپس به لبنان کوچ کردند. بیروت به مقر سازمان آزادی‌بخش فلسطین تبدیل شد و با افزوده شدن بر شمار

یاست پژوهی

دوره چهارم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۶



چریک‌های فلسطینی در لبنان، شمار عملیات نظامی علیه اسرائیل در جنوب فزونی گرفت. در جریان پاسخ سنگین نیروهای صهیونیست به عملیات چریک‌های فلسطینی، ساکنان شیعه جنوب بیشترین آسیب را می‌دیدند و این وضعیت امنیتی آشفته سبب شد تا فشارها متوجه امام صدر شود. وی که خود را در برابر دوراهی حمایت از ساکنان بی‌دفاع جنوب و وظیفه اخلاقی تأیید مقاومت فلسطینی می‌دید، لبه انتقادات را متوجه دولت لبنان کرد و از دولت خواست در حمایت از جنوب اقدام کند و دست به اعتصاب غذا زد که همراهی مردم را در پی داشت. در پی اعتصاب عمومی، دولت مجبور به تشکیل جلسه فوق‌العاده شد و طی آن تصمیم به تأسیس شورای جنوب گرفت که وظیفه‌اش رسیدگی به نیازهای مردم جنوب بود.

با اینکه فضل... و صدر هر دو مبارزه مسلحانه فلسطینی‌ها را برنامه‌ای مشروع و آزادسازی فلسطین را وظیفه‌ای واجب می‌شمردند، هر کدام از زوایای متفاوت به موضوع می‌نگریستند. جنوب لبنان از نگاه منطقه‌ای عربی فضل... بخشی جدانشدنی از مسئله فلسطین بود و حل آن مرتبط با نیروهای منطقه‌ای و جهانی و خارج از توان دولت لبنان تلقی می‌شد.

با اینکه فضل... و صدر آزادی فلسطین را مسئله‌ای اسلامی می‌دیدند، اما فضل... نبرد مقدس را بر منافع طایفه شیعه در لبنان ترجیح می‌داد و نگاهی راهبردی‌تر به موضوع داشت. او معتقد بود با توجه به تمایلات توسعه‌طلبانه اسرائیل، منطقه جنوب لبنان، با صرف نظر از میزان فعالیت چریک‌های فلسطینی، همچنان ناآرام خواهد ماند؛ زیرا اسرائیل از آغاز تأسیس این رژیم نسبت به جنوب لبنان طمع داشته است و می‌خواهد برای تحقق این طمع‌هایش از طریق راهبردی منظم، مقاومت محلی را نابود کند (فضل...، ۱۳۵: ۱۹۹۱-۱۳۶).

۶. فضل... و نگره انقلابی به اسلام

فضل... اسلام را انقلابی در درون انسان و بیرون از او در جامعه انسانی می‌داند و کتاب قرآن را کتاب حرکت و جنبش‌آفرینی معرفی می‌کند. او معتقد است اسلام صرفاً تحولی در باور و عقیده انسان‌ها نبود، بلکه آمده بود تا در مناسبات انسان‌ها تحولی انقلابی ایجاد کند؛ از این روست که می‌گوید: نمی‌توان این باور مارکسیستی را که دین افیون ملت‌ها یا مجموعه‌ای از منظومه‌های ارزشی است که چالش‌سازنده را مانع می‌شود و

جلوی نوسازی و انقلاب را می‌گیرد، باور کرد؛ زیرا معتقدیم دین عنصری سازنده و پویا در انقلاب در برابر ظلم در درون و انقلاب در برابر استکبار در خارج است. رویارویی با استکبار پیوند عمیقی با تعهد دینی دارد. دین، بی‌طرفی در برابر عدالت و ستم و در برابر مستکبر و مستضعف را ضد ارزش می‌داند؛ چراکه کسی که در برابر حق ساکت بنشیند، شیطان گنگ است (فضل...، ۲۰۱۰: ۲۶). وی انقلابی‌گری را دارای عناصری پویا در جهان‌بینی اسلامی می‌داند که

«هدف آن، رها کردن انسان از بندگی نفس و بندگی مستکبران و تحقق عدالت و نجات انسان از ستم و ستیز سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و امنیتی است. این روحیه متناسب با خط کلان اسلام در مسئله آزادی و عدالت است، تا اسلام که آخرین پیام خدا برای بشر است، بنیاد اندیشه و عاطفه و زندگی انسان مسلمان را تشکیل دهد» (همان: ۳۱۸).

شیوه انقلابی امام خمینی که در عین پابندی به سازوکارهای فقه سنتی و اجتهاد جواهری، تعریفی انقلابی از فقه داشت و کالبد فقه اسلامی را پویا می‌دانست، برای فضل‌ا... جاذبه‌ای ویژه دارد. برای فضل‌ا... نماد فقیه انقلابی، امام خمینی است که علاوه بر رهبری انقلابی سیاسی در سطح جامعه، انقلابی را نیز در درون حوزه و در ستیز با کسانی که آنان را خشکه مقدس یا مقدس‌مآب می‌نامد، به راه انداخت و از سرزنش و شلوغ‌کاری آنان نهراسید. وی می‌گوید:

«شاید ارزش هجوم امام به این گروه از آن روست که اینان در همه مجامع حوزوی به عنوان گروهی جاهل و خشکه مقدس نشاندار هستند و همین مقدس‌مآبی‌شان موجب اعتماد عوام به آنان شده است و با این پشتوانه، آنان اقدام به محاصره جریان نواندیشی اجتهادی می‌کنند، درحالی‌که مبانی اصولی و فقهی این آرا و فتاوی جدید را اصلاً نمی‌فهمند و با سر و صدا به راه انداختن بر ضد این مجتهد و آن مجتهد می‌کوشند فتوای او را بایکوت یا او را ناچار به بازگشت کنند و او هم به‌ویژه اگر در مظان مرجعیت باشد، برای حفظ موقعیتش از فتوایش برگردد؛ از این رو امام



خمینی(ره) قیام به انقلاب علمی حوزوی را ضد این گروه، برای کنارزدن آنان از عرصه تأثیرگذاری ضروری می‌دید» (همان:۳۲۷).

او به این سخن امام خمینی توجه می‌دهد که:

«یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که درخور شأن مجتهد است، واقعاً مدیر و مدبر باشد. حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است، فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است» (امام خمینی، ۱۳۸۹ ج ۲۸۹:۲۱).

تعریف و کارکردی که امام خمینی برای فقه اسلامی ارائه داد، دقیقاً همان تعریف و توقع و کارکردی است که فضل... برای اسلام قایل است. گاه تعبیر این دو چنان به هم نزدیک است که گویا گوینده این تعبیر یک نفرند. در اینجا لازم است توجه دهم که فضل... چند ماهی پس از تبعید امام خمینی به نجف و بی‌آنکه با امام آشنایی یابد، به لبنان رفت و تنها در دهه هفتاد که نام امام بر سر زبان‌ها افتاده بود، با اندیشه و شخصیت او آشنا شد؛ اما رویکرد فکری و سیاسی فضل... تشابهی غریب به رویکرد فکری و سیاسی امام خمینی دارد.

فضل... از همان آغاز به اسلام در حجمی جهانی می‌اندیشید، بی‌آنکه از اصول و مبانی عقب‌نشینی کند. به اسلام به مثابه الگویی برای مدیریت سیاسی و جهت‌بخشی اخلاقی جهان می‌اندیشید و نه در حجم پستوهای تنگ و تاریک تعصبات مذهبی. نگاهی به مجموعه نوشته‌ها و سخنرانی‌های وی در دهه شصت و هفتاد میلادی نشان می‌دهد که وی دلمشغولی‌های سیاسی و فکری و فرهنگی کلانی دارد که فراملی و جهانی است.

یکی از مسائلی که همواره ذهن فضل... جوان را مشغول خود کرده بود، نگاه رایج مردم نسبت به علمای دین به عنوان مجموعه‌ای است که با اوضاع جدید بی‌ارتباطاند و نگاه سنتی دارند و خارج از زمان‌اند. وی کوشید نسلی از طلاب را تربیت کند که با ذهنیت انسان معاصر و جهان معاصر همخوانی داشته باشند؛ از این رو یکی از نخستین اقدامات وی تأسیس المعهد

یاست پژوهشی
تحول‌آفرینی در تجربه امام موسی صدر و علامه فضل...

الشرعی الاسلامی یا مدرسہ علوم دینی بود کہ صدها طلبہ تا کنون از لبنان و بسیاری از کشورهای جهان از آفریقا گرفته تا آسیای میانه در آن تحصیل کرده‌اند و شیخ راغب حرب از نخستین طلاب مدرسہ فضل... و شاگرد وی بوده است. بسیاری از دانش‌آموختگان این مدرسہ در اروپا و امریکا به تبلیغ دین و به ترویج فرهنگ اعتدال و عقلانیت شیعه اشتغال دارند.

تبدیل مناسبت‌های مذهبی به مناسبت‌های انسانی و فرامذهبی از دلمشغولی‌های اساسی فضل... بوده است. رد پای نگاه فرامذهبی فضل... از دهه شصت میلادی در تلاش وی برای گشودن باب عاشورا- که تا آن زمان منحصر به طایفه شیعه می‌شد- به روی طوایف دیگر آشکار بود. فضل... این کار را فرصتی برای تحکیم روابط با دیگر طوایف می‌دید. وی از شماری از شخصیت‌های دینی سنی و مسیحی برای شرکت در مراسم عاشورا دعوت می‌کرد.

فضل... از آغاز حرکت تبلیغی اجتماعی خویش در لبنان به مسائل کلان جهان اسلام می‌اندیشید. وی در سخنرانی‌ای که در ژانویه ۱۹۷۲ با عنوان عزت و ننگ از نگره اسلام القا کرده، تأکید می‌کند چالش‌های خطرناکی که از نگاه وی متوجه جوامع اسلامی شده است، نتیجه غلبه قدرت‌های شرق و غرب در حوزه سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی است و استعمار جدید راهبرد خبیث درازمدتی را در پیش گرفته که به فروپاشی هویت اسلامی جوامع اسلامی و خفه‌کردن احساس عمیقاً ریشه‌دارشان به عزت و کرامت شده و این انگاره را در آنان پدید آورده که باید تسلیم شوند و وضع موجود را که این قدرت‌ها پدید آورده‌اند، بپذیرند و تن به شیوه‌های تحمیلی بدهند که وجود و منافعشان را حفظ می‌کند. در نتیجه کشورهای اسلامی نیرنگ خورده و به خطا باور کردند که امنیت و منافع ملی‌شان اساساً به قدرت‌های بزرگ وابسته است.

وی برای توضیح بیشتر مفهوم وابستگی و تسلیم، به سیاست قدرت‌های بزرگ در زمان جنگ جهانی دوم اشاره می‌کند و از سیاست انگلیس و فرانسه نام می‌برد که خود را به عنوان نیروهای رهایی‌بخش از دست ترک‌ها به عرب‌ها وانمود کردند و میان پادشاهی عثمانی و رعایای عربش فاصله انداختند و این همه در راه تحقق طمع‌های راهبردی‌شان در خاورمیانه بود (فضل...، ۱۰۳:۱۹۹۱-۱۰۴).

وی در سخنرانی‌ای که در مه ۱۹۷۲ در بنت جبیل و با عنوان «تهذیب اجتماعی در اسلام»



القا کرد، انواع بیماری‌های اخلاقی و اجتماعی را تشریح کرد و از تعارض آشکار میان وضعیت مسلمانان و هنجارهای اسلامی مربوط به شخصیت فردی و رفتار اجتماعی سخن گفت و ابراز داشت که جوامع غربی، تنها الگوی ممکن از تمدن انسانی نیستند و اسلام به لطف شریعت ربانی و شاملش، قانونی هنجاری در اختیار دارد که نظیری ندارد و مجموعه‌ای از ارزش‌ها در خود دارد که اساس شایسته‌ای برای تهذیب رفتار فردی و اصلاح روابط اجتماعی فراهم آورده است (همان: ۱۴، ۱۶ و ۳۶).

در پایان این سخنرانی پرسش‌هایی از وی شد که از آن جمله بود اینکه چرا جوانان از دین می‌گریزند؟ پاسخ فضل... به پرسش نخست این بود که گریز جوانان از دین عوامل متعددی دارد که یکی از آنها ذهنیت متحجر علمای محافظه‌کار است و دیگری سنت تاریخی ستم در تاریخ اسلام و خفه کردن صدای مخالف و سرکوب آزادی‌های فردی از سوی بسیاری از حاکمان مسلمان و دیگری غلبه فرهنگ سکولار مدرن غرب با نفرت تاریخی‌ای که نسبت به نقش کلیساهای مسیحی دارد و آخری هم غلبه مدنیت مدرن غرب با فرهنگ مادی حاکم بر آن است که ماده را بر معنا برتری داده است.

اما این سبک اداره جلسات ارشاد دینی که مبتنی بر دریافت نقد و نظر حاضران بود، در آن مقطع زمانی اقدامی جالب توجه است. وی اعلام کرد که برگزاری این جلسات - که تقریباً تا اواخر حیات وی ادامه یافت - به هدف ایجاد پل پیوندی است که شکاف میان دین و جوانان را از بین می‌برد. وی علت این شکاف را کناره‌گیری علمای محافظه‌کار و دوری‌شان از مسائل روز و مشکلات عصری برادرانشان دانست. این دوری و کناره‌گیری و شانه‌خالی کردن از مسئولیت‌های اجتماعی این احساس عمومی را پدید آورده که دین، فایده‌ای ندارد و رشته‌ای برای ایجاد پیوند میان دین و نهادهای جدید اجتماعی و مسائل نوپدید اجتماعی وجود ندارد. وی در تشخیص مشکل دوری جوانان از دین تأکید کرد که جوانان درحقیقت با دین - از حیث دین‌بودنش - مشکل ندارند، بلکه از شیوه پسمانده سنتی‌ای که در قالب آن اسلام تفسیر و به آنان عرضه می‌شود، گریزان‌اند. فضل... بر آن بود که جهان معاصر فرصت‌های طلایی را برای طرح الگوی اخلاقی و اجتماعی اسلام فراهم کرده است و اگر قصوری در زمینه معرفی و تبلیغ این الگوها بوده، از سوی ما بوده است و ریشه در ناآشنایی با ظرافت‌ها و شیوه‌های درست

یاست پژوهی
تحول‌آفرینی در تجربه امام موسی صدر و علامه فضل...
موسسه علمی و فرهنگی امام رضا (ع)

معرفی آن به جهان معاصر دارد.

۷. از منطق دعوت تا منطق قدرت (واقع‌گرایی)

فضل... کار تبلیغی‌اش را در عراق با حلقه صدر و سپس حزب الدعوة آغاز کرد و در لبنان به موازات جنبش اجتماعی امام صدر و گاه با مسافتی اندک از آن حرکت کرد؛ اما رفته‌رفته رویکرد سیاسی و جهانی فضل... قوی‌تر می‌شود و به‌ویژه پس از غیاب امام موسی صدر از صحنه سیاسی لبنان و به فاصله اندکی پس از آن پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به‌ویژه پس از تحولات منطقه‌ای ناشی از انقلاب ایران که اوج آن، سرکوب جنبش اسلام‌گرای شیعی در عراق (حزب الدعوة) و اعدام دوست قدیمی فضل... در نجف، یعنی سید محمدباقر صدر بود، توجه فضل... به سمت و سوی قدرت و سیاست تندتر می‌شود. نشانه این عطف توجه را در کتاب الاسلام و منطق القوة می‌بینیم که انتشار نخست آن در سال ۱۹۸۱ زمینه نظری برآمدن حزب... را فراهم آورد (صبرا، ۱۷۲:۱۹۸۷).

در این دوره شیعیان لبنان از رهبری امام موسی صدر محروم شده بودند و مناصب وی در میان جانشینانش که هیچ کدام قدرت بسیج‌کنندگی او را نداشتند، توزیع شده بود. ریاست مجلس اعلای شیعه به شیخ محمد مهدی شمس‌الدین که رویکردی نخبه‌گرا داشت و جنبش امل به دست حقوق‌دانی محافظه‌کار به نام نبیه بری افتاد که نمی‌توانست نماینده مناسبی برای مواضع امام خمینی درباره جهاد ضد اسرائیل و استکبار جهانی در لبنان باشد. به موازات تضعیف رابطه ایران با جنبش امل، رابطه آن با جنبش فتح تقویت شد که با توجه به اختلافات دیرین آن دو به درگیری میانشان انجامید. همزمان اعضای لبنانی حزب الدعوة در بدنه جنبش امل نفوذ کردند و برخی اعضای آن را به خروج از این جنبش و تکوین هسته‌ای شبه نظامی و نزدیک به ایران تشویق کردند.

فضل... در کتاب اسلام و منطق قدرت نقطه کانونی مسئله را قدرت می‌داند؛ اینکه قدرت داشته باشی یا نه، مسئله این است:

ریاست پژوهی

دوره چهارم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۶



«اینکه در زندگی قدرت داشته باشی، معنایش این است که برای خودت باشی نه برای دیگری... و اینکه زمام مدیریت و رهبری زندگی را به دست گیری؛ اینکه زندگی نیروها و دارایی‌هایش را به تو دهد تا چنان‌که می‌خواهی تصرفش کنی و چنان‌که دوست داری، شکوفایش کنی و چنان‌که خوش داری، بسازی‌اش» (فضل...: ۱۹۸۶: ۱۶-۱۷).

وی در این کتاب اهمیت تولید اشکال مختلف قدرت و کاربست قدرت و ابزارهای تولید قدرت را بررسی می‌کند و استفاده از قدرت را برای تحقق اهدافی معین نه ویژگی اسلام و مسلمانان، بلکه امری مشروع برای همه آنان که ضد ظلم و تجاوز بر پای می‌خیزند، می‌شمارد. یک سال پس از انتشار کتاب الاسلام و منطق القوة، جنبش حزب... تأسیس شد. مقدمات شکل‌گیری حزب... در سال ۱۹۸۲ میلادی با خروج حسین موسوی عضو دفتر سیاسی جنبش امل و تأسیس حرکت امل الإسلامية به رهبری وی فراهم شد. علت اصلی این انشقاق، نزاع میان اسلام‌گرایان و ملی‌گرایان بود و با توجه به فضای پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تمایل اسلام‌گرایان به علنی کردن رویکردشان چنین امری طبیعی می‌نمود.

جنبش امل اسلامی که بعدها بخشی از حزب... شد، پس از تأسیس از حمایت‌های مادی و معنوی ایران برخوردار گردید. از آغاز تأسیس جنبش حزب... رسانه‌های بین‌المللی و به‌ویژه غربی، علامه فضل... را به عنوان رهبر روحانی حزب... معرفی می‌کردند. علت این امر آن بود که پرورش‌یافتگان مدرسه فکری و سیاسی فضل... بخش عمده نیروهای این حزب را تشکیل می‌دادند. هرچند میان فضل... و حزب... ارتباط سازمانی وجود نداشت، اما وجود تربیت‌شدگان فضل... در سطوح رهبری این جنبش که به رجال فضل... معروف‌اند، حضور غیرمستقیم وی را در این جنبش نشان می‌داد. در مرحله تأسیس حزب...، شخصیت فکری برجسته‌ای در رأس این حزب وجود نداشت؛ از این رو همه نگاه‌ها به سمت فضل... معطوف شد که اندیشه‌اش بنیاد فکری این حزب جدید را فراهم آورد.

در اوایل دهه هشتاد میلادی فضل... ایده جمهوری اسلامی را طرح می‌کند، ولی به‌سرعت و با لحاظ ویژگی‌های منحصر به فرد لبنان از آن عدول می‌کند و آن را غیرواقع‌بینانه می‌یابد:

«اما اینکه من در دهه هشتاد اندیشه جمهوری اسلامی را در لبنان مطرح

کردم، هدفم طرح آن به عنوان پروژه سیاسی نبود، بلکه برای آن بود که اسلام را از دایره تنگ طایفه‌ای خارج کنم و به مردم بگویم اسلام در درون خود اندیشه‌ای دارد که در آن قانون و حقوق و سیاست و اقتصاد نهفته است و باید اسلام را چنین بفهمید. من می‌گفتم چرا کمونیست‌ها حق دارند منادی دولت کمونیست باشند و ناسیونالیست‌ها مردم را به ناسیونالیسم دعوت کنند، ولی ما حق نداشته باشیم مردم را به دولتی اسلامی دعوت کنیم.

می‌گفتم که شریعت اسلام هم مانند قوانین سکولار، قابلیت تطبیق و اجرا دارد؛ ولی در مسیحیت، شریعت وجود ندارد و مسیح (ع) طبق آموزه‌هایی که در مسیحیت وجود دارد، کار قیصر را به قیصر و کار خدا را به خدا سپرده است. به مسیحیان می‌گفتم شما که شریعت ندارید، چرا اندیشه دولت اسلامی را رد می‌کنید» (همان: ۱۱۴).

با این حال پس از مدتی کوتاه فضل... به این نتیجه رسید که ایده تأسیس جمهوری اسلامی در لبنان غیرواقع‌بینانه است و همین موضوع نخستین نقطه اختلاف وی را با جمهوری اسلامی ایران رقم زد. در مقابل، حزب... همراه با سران جمهوری اسلامی ایران از چنین ایده‌ای دفاع می‌کرد.

به مرور زمان ایده تأسیس جمهوری اسلامی در لبنان به مشارکت فعالانه حزب... در دولت تقلیل یافت. طرح ایده دولت انسانی به جای دولت اسلامی از سوی فضل... در زمینه‌سازی برای ورود حزب... بی‌تأثیر نبوده است. چنان‌که سلسله‌مقالات فضل... در مجلات العرفان و المنطلق زمینه فکری مناسبی برای خروج حزب... از حاشیه سیاست به متن دولت و پارلمان را فراهم آورد و از سوی دیگر سیاست جمهوری اسلامی ایران از آغاز دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی هم مبتنی بر سهیم‌شدن حزب... در قدرت بود.

بدین ترتیب راهی که امام موسی صدر از سه دهه پیش با تحول‌آفرینی اجتماعی گشوده بود، فضل... با کنش و اندیشه انقلابی - سیاسی ادامه داد.

یاست پژوهی

دوره چهارم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۶



نتیجه‌گیری

آنچه گفته آمد، رصد اندیشه و عمل انقلابی و بازگفت بستر اجتماعی و سیاسی حرکت دو عالم شیعی امام موسی صدر و علامه فضل‌ا... برای نشان‌دادن نمونه‌هایی از اندیشه و رفتار تحول‌آفرین و کنشگری انقلابی دو عالم دینی برخاسته از حوزه بود. از میان نقاط مشترکی که میان این دو وجود داشت، اصل حرکت‌زایی و مبارزه با ایستایی و جمود و تعریف دایره‌ای جهانی - یعنی فرامذهبی و فرادینی و فرامرزی - در عین پابندی به اصالت خویش در این مقاله مورد توجه بوده است. بخشی از این ویژگی مشترک ناشی از سیر آفاقی این دو در میان ملت‌ها و نحل‌ها و آشنایی با تمدن جدید غرب بود و البته این موضوع چیز کمی نیست. تقریباً همه متفکران مسلمانی که در دو قرن اخیر منشأ اثری عمیق - فکری یا حرکتی - شده‌اند، تجربه آشنایی با غرب را داشته‌اند و بخش دیگر آن برآمده از بیرون‌آمدن از جهان ذهنی خاص خویش و اندیشیدن به رسالت جهانی اسلام و اندیشیدن به اسلامی در حجم تمام جهان است. تجربه این دو عالم بزرگ سرشار از نقاط آموزنده است و ارزش مطالعات گسترده به هدف توانمندسازی تبلیغ اخلاق دینی و ترویج اندیشه دینی را دارد.

سیر حرکت آنان نشان می‌دهد که صرفاً در پی تبیین باورها و عقاید نبوده‌اند، بلکه تحول اجتماعی و سیاسی جامعه برایشان اولویت داشته است. زمانه‌شان را به‌درستی شناختند و نقاط آسیب را کشف کردند و متناسب با مرحله‌ای که در آن قرار داشتند، تصمیم گرفتند و اقدام کردند. هم به حقیقت دین و هم به هویت مذهبی و هم به چالش‌های زمانه توجه داشتند. امام صدر و علامه فضل‌ا... هر دو از حوزه برخاستند و توانستند رد پای از خویش در اسلام معاصر بر جای بگذارند. شاید این آیه قرآن کریم در تمام مراحل حرکتشان در برابر چشمشان حاضر بوده است که می‌گوید: «قل اعملوا فسیروا... عملکم و رسوله و المؤمنون: بگو [هر کاری می‌خواهید] بکنید که به‌زودی کار شما را خدا و فرستاده‌اش و مؤمنان خواهند دید».

فهرست منابع

۱. حركة امل. (۲۰۱۴). مسيرة الامام السيد موسى الصدر يوميات و وثائق. چاپ دوم، ج ۲.
۲. خمینی، سید روح‌الله... (۱۳۸۹). حیفه امام. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم.
۳. روزنامه النهار، ۲۸ / ۳ / ۱۹۷۴.
۴. سنکری، جمال. (۲۰۰۸). مسیره قائد شیعی. ترجمه آصف ناصر. بیروت: دارالساقی. بی‌نا، [بی‌تا]. الشراع، الحركة الاسلامیة فی لبنان، بیروت.
۵. شرف‌الدین، حسین. (۲۰۱۱). التغيير ضرورة حیاتیة. بیروت: مرکز الامام موسی الصدر للابحاث والدراسات.
۶. _____ (۲۰۰۹). موسی الصدر و الخطاب الإنسانی. بیروت: مرکز الإمام موسی الصدر للابحاث و الدراسات.
۷. _____ (۱۹۹۶). الامام السيد موسى الصدر محطات تاریخیة. ایران، نجف و بیروت: مرکز الامام موسی الصدر للابحاث و الدراسات.
۸. صبرا، حسن. (۱۹۸۷). عن الصحوة الاسلامیة فی لبنان. الحركة الاسلامیة فی الوطن العربی، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة.
۹. صدر، امام موسی. (۲۰۱۰). الاسلام بین اسر الماضي و آفاق المستقبل. بیروت: المركز الثقافی العربی.
۱۰. _____ (۱۳۸۴). اديان در خدمت انسان. ترجمه گروه مترجمان. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی امام موسی صدر.
۱۱. فضل‌الله، سید محمدحسین. (۱۹۸۶). الاسلام و منطق القوة. بیروت: دار الملاک.
۱۲. _____ (۲۰۰۱). حوارات فی السياسة و الفكر و الاجتماع؛ بیروت: دارالملاک.
۱۳. _____ (۱۹۷۷). خطوات علی طریق الاسلام. بیروت: دارالتعارف.
۱۴. _____ (۱۹۸۵). قضایانا علی ضوء الاسلام. ج ۶، بیروت: دارالزهراء.
۱۵. _____ (۱۹۹۱). مفاهیم اسلامیه عامه. ج ۲، بیروت: دارالزهراء.
۱۶. _____ (۲۰۱۰). الاجتهاد بین اسر الواقع و آفاق المستقبل. بیروت: المركز الثقافی العربی.

یاست ژوبی

دوره چهارم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۶





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی